

## موقعیت سپاه پاسداران و روحانیت در ساخت قدرت

### بهروز خلیق

• سپاه با گسترش فعالیتهای خود در عرصه های مختلف اجتماعی با گروههای بیشتری از جامعه تماس پیدا میکند و در این تماس، ذهنیت منفی تری نسبت بخود شکل میدهد. فعالیتهای سیاسی سپاه به تقابل بخشی از جناحهای حکومت با آن منجر شده و فعالیتهای اقتصادی نارضایتی بخشی از صاحبان سرمایه را هم فراهم آورده است ...



اٹل دهه شکل گرفت و بعنوان تشکل ظاهرآ مردمی وارد

عمل شد. کار انصار حزب الله آتش زدن کتابفروشیهآ، حمله به سخنرانی هآ،

گردهمائی هآ، تظاهرات و اقدام به ترور بود .

انصار حزب الله قبل از انتخابات دوم خرداد، عمدتآ دگراندیشان را در نوک حملات خود قرار

میداد و بعد از آن اصلاح طلبان حکومتی را نیز زیر ضرب گرفت. انصار حزب الله به هیچ

قانونی پای بند نبوده و به هیچ ارگانی پاسخگو نیست. آنچه مشخص است انصار حزب الله بدون

پشتیبانی نهادهای قدرتمند در ساخت قدرت نمیتواند چنین یکه تازی کند .

انصار به ولی فقیه و سپاه وصل است. محمداقر ذوالقدر جانشین فرمانده کل سپاه و حسین الله کرم

از فرماندهان سپاه جزو مبتکرین راه اندازی انصار حزب الله بودند. حجه الاسلام پروازی در

سخنان افشاگرانه خود در مورد انصار حزب الله به این مسئله اشاره میکند: "در این سال -

- الله کرم آمد و گفت بیا در هیات رزمندگان سخنران باش. تعداد موسسان انصار نفر بودند که

به سه گروه تقسیم می شدند. گروه وابسته به "ذوالقدر" که تعدادشان نفر بود. هفت نفر هم از

طرف "عبداللهی" معرفی شدند و چهار نفر هم با "الله کرم" بودند. بچه ها همگی، من و مرحوم

نجفی را قبول . سخنرانی هآ در دوران حیات نجفی شروع شد و بعد از رحلت ایشان از من

خواستند کار او را ادامه دهم. اسم انصار در آن تاریخ اصلا مطرح نبود. می گفتند برو بچه های

هیئت رزمندگان، به مرور اسم انصار به میان آمد و با قوی شدن حضور وابستگان "ذوالقدر" و

"الله کرم"، حضور رزمندگان کمرنگ ."

سخنان پروازی پیوند بین انصار حزب الله و سپاه را نشان میدهد. انصار بخشی از برنامه های

سرکوب سپاه را بعنوان جریان غیررسمی و بدون پاسخگو پیش می برد و سپاه هم بجهت مختلف از انصار حزب الله حمایت میکند .

### سپاه و نیروی انتظامی

نیروی انتظامی از ادغام پلیس و کمیته های انقلاب اسلامی تشکیل شد. اما این نیرو در اختیار سپاه است و فرمانده نیروی انتظامی از بین فرماندهان سپاه انتخاب میشود. قالیباف فرمانده قبلی نیروی انتظامی، فرمانده نیروی هوایی سپاه بود و اسماعیل احمدی مقدم فرمانده فعلی نیروی ی، جانشین فرماندهی بسیج سپاه پاسداران و فرمانده بسیج تهران بود .

### سپاه و وزارت کشور

وزارت کشور یکی از مهمترین وزارتخانه های دولت بحساب می آید. سپاه در دوره های قبلی نفوذی در این وزارتخانه نداشت. مصطفی پورمحمدی وزیر منتخب احمدی نژاد راه را برای ر وزارت کشور باز کرد. محمدباقر نوالقدر جانشین فرمانده کل سپاه به وزارت کشور منقل شد و در مقام معاون امنیتی و قائم مقام پورمحمدی قرار گرفت و عده قابل توجهی از استانداران و فرمانداران از بین فرماندهان سپاه انتخاب گردیدند. بدین ترتیب سپاه در وزارت کشور هم جای پای محکمی پیدا کرد .

### تصفیه در سپاه

روند تصفیه در سپاه از آغاز حیات آن تا امروز همواره جریان داشته است. سپاه مداوما نیروهائی از درون خود را بععل مختلف حذف کرده است. اولین تصفیه به اوائل حیات آن برمیگردد . بنیانگذاران سپاه پاسداران حامل گرایشهای سیاسی مختلفی بودند. صاحبان آن گرایشها در شورای فرماندهی سپاه و در دفتر سیاسی حضور داشتند و یا جزو فرماندهان بودند: محمد منتظری، محسن رفیق دوست، بروجردی، بهزاد نبوی، دوزدوزانی، سید مهدی هاشمی، محمد سلامتی، حسین شریعتمداری، محسن میردامادی، عمادالدین باقی، **وردی نژاد** حمید جلائی پور، علیرضا علوی تبار ..

در آنزمان شکاف چپ و راست در بین نیروهای جمهوری اسلامی شکل گرفته بود. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که از گروههای هفتگانه سیاسی - نظامی قبل از انقلاب تشکیل شده بود\*، حامل این شکاف بود. این سازمان که جزو بنیانگذاران سپاه بود، گرایشهای سیاسی خود را بدرون سپاه منتقل کرد. حسین فدایی، محمدباقر نوالقدر، احمد توکلی، الیاس نادران و ... تشکیل دهنده

جناح راست سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تحت ریاست آیت‌الله راستی کاشانی بودند. بهزاد نبوی، محمد سلامتی، عمادالدین باقی.... بین جریان را تشکیل میدادند .

یکی از گروه‌های تشکیل دهنده سازمان مزبور، گروه مسلح کوچکی بنام "منصورون" بود. محسن رضائی و محمدباقر ذوالقدر در راس این گروه قرار داشتند. بگفته محسن سازگارا این گروه: "کارهای عجیب و مشکوکی مثل بمب گذاری در رستوران خوانسالار تهران را در آستانه انقلاب مرتکب شدند و در آن عامل بمب گذاری که کارگری بنام احمدی بود کشته شد. با روحانی به نام راستی کاشانی که تازه از نجف به قم آمده بود ارتباط داشتند و وقتی هم همین گروه به صورت یکی از گروه‌های هفت گانه در تشکیل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در ا مشارکت کرد خیلی زود با استفاده از آقای راستی کاشانی که پس از مرگ آقای مطهری، او را به عنوان نماینده امام در آن سازمان مطرح کرده بودند، عامل اصلی انشعاب در آن سازمان شدند" (سپاه و سه انحراف). این گروه پس از ورود به سپاه: "بخش اطلاعات و تحقیقات سپاه را که قرار بود به صورت مغز متفکر و برنامه ریز سپاه باشد و حداکثر به صورت واحد اطلاعات نظامی برای سپاه عمل کند بصورت یک سازمان امنیت درآورده و محسن رضائی هم در راس این واحد قرار گرفت و فرمانده اطلاعات سپاه شد. خیلی زود این سازمان امنیت جدید به سایر بخش های سپاه دست انداخت. این گروه پس از فتح خرمشهر در رأس سپاه قرار گرفت و به سرعت شروع به تبدیل سپاه به یک ارتش منظم و کلاسیک نمود".

این گروه بتدریج فضا را بر گرایش چپ در سپاه تنگ کرد و زمینه را برای حذف آنها فراهم ساخت. بدین ترتیب نیروی چپ اسلامی و بعدها طرفداران آیت الله منتظری از سپاه طرد شدند و فرماندهی سپاه بدست نیروی راست افتاد .

نمونه این تصفیه، عمادین باقی است. او در مصاحبه با ایسنا میگوید: "سال پس از یکسالی که در دفتر سیاسی سپاه بودم به فعالیتهای آموزشی و تحقیقاتی به ویژه در مباحث اریخ معاصر، نقش روحانیت، مذهب و نهادهای مذهبی پرداختم. این فعالیتها تا پایان اسفند سال ادامه یافت. در آن سال شرایطی بوجود آوردند که من مجبور به استعفا شدم. استعفایی که محتوایش اخراج بود"

تصفیه در سپاه در سالهای بعد کسانی را دربرگرفت که نسبت به عملکرد این گروه در جبهه های جنگ اعتراض داشتند که اکبر گنجی در پاسخ به حسین شریعتمداری سربسته به آن اشاره میکند. بگفته نیما راشدیان حاج کاظم رستگار و صدها فرمانده معترض دیگر در تصفیه حسابهای دهه از سپاه حذف شدند: حاج کاظم رستگار را از تمام عرصه های فرماندهی حذف ک عملیات بدر با لباس یک بسیجی ساده به مسلخ فرستادند. کسان دیگری مثل داود کریمی را به

."

بعد از جنگ بخشی از فرماندهان نیز بجهت آلوده شدن سپاه کنار کشیدند. "مجرب ترین فرماندهان جنگ بدان خاطر که نخواستند خون عزیزان خود را به عضویت در مافیای تازه مولود ثروت و قدرت بفروشد و بر وجدان خود چوب حراج زنند، از سپاه طرد و به مسافر کشی در خیابانهای تهران روی آوردند" (پل پوت و سردارانش - نوشته نیما راشدان).

تصفیه ها در سالهای بعد ادامه یافت و شامل کسانی گردید که به عملکرد فرماندهان سپاه، آلودگی آنها به مسائل مالی، دخالت سپاه در سیاست انتقاد داشتند و یا طرفدار اصلاح طلبان بودند. در مواردی سپاه برای تصفیه ها متوسل به ترور میشود. در این ارتباط از افراد زیر که توسط سپاه در جریان تصفیه ها ترور شده اند، نام برده میشود: سپهبد صیاد شیرازی، سرتیپ ستاری (فرمانده نیروی هوایی ارتش)، سرتیپ پاسدار ابوالفتحی (فرمانده ناحیه انتظامی فارس و فرمانده اسبق ناحیه انتظامی تهران بزرگ)

فعالیت اقتصادی سپاه شفاف نیست و هیچ ارگانی هم بر آن نظارت و کنترل ندارد. سپاه به فعالیت اقتصادی زیر زمینی، قاچاق کالا، قاچاق نفت - از جمله نفت عراق در زمان تحریم اقتصادی آن کشور توسط سازمان ملل - و بگفته ای مواد مخدر می پردازد. زمانیکه فعالیت اقتصادی زیرزمینی و قاچاق با قدرت در آمیزد، از درون آن فساد و باند مافیایی بیرون می آید. بقول علیرضا علوی تبار: "این طیف، نظامی های پاکبخته بسیج و سپاه نیستند بلکه یک باند مافیای قدرت و ثروت هستند که تامین منافع کلان اقتصادی خود را با حکومت نظامی ممکن میدانند" (سخنرانی علیرضا علوی تبار در دفتر مرکزی جبهه مشارکت - بنقل از سایت رویداد).

در دوره سازندگی بخشی از فرماندهان سپاه برای شرخری، اخاذی، ثبت شرکتها، تصرف مبادی ورودی و خروجی کشور و گمرکات مسابقه گذارده بودند. "بطوریکه مسئولان گمرک بندرعباس و اخیرا آبادان، خرمشهر دائما برای صدور برگ سبز یا چشم پوشی از ورود کالاهای قاچاق فرماندهان سپاه و وابستگان ایشان تحت فشار قرار داشتند" (پل پوت و سردارانش - نیما راشدان).

بدنه سپاه نسبت به ثروت اندوزی و فساد فرماندهان سپاه حساس است. آنها که با حضور در جبهه ها فرصت تحصیل و فعالیت اقتصادی را نداشتند و با حقوقی دریافتی قادر به تامین زندگی نبودند، در مقابل این نابرابری قرار گرفتند. "برخورد آنها با موج یکسان نبود. گروهی خرد شدند و در رویای پولدار شدن یکشنبه با فروش طلای همسرشان و گوشواره های دخترشان شرکت با مسئولیت محدود ایجاد کردند. گروهی دیگر به قاچاق کالا، گنج یابی، کارچاق کنی و شرخری

داشتند و زندانهای و قصر پر شد از محکومان پاسدار، بسیجی و کسانی که گناهی جز تبعیت از فرماندهان خویش نداشتند. فرماندهانی که از مجازات مصون بودند." و "در سپاه سال رشوه پذیرفتن نه تنها عیب محسوب نمیشود بلکه حتی هنر و زرنگی بود. این سپاه دیگر آن سپاهی که اعضای آن حقوق خود را دریافت نمی نمودند تا کمک به خانواده شهدا شود، زمین تا آسمان تفاوت داشت. سر تشکیلات فاسد شده بود و بدنه بر سر دو راهی چه کند؟" (همان منبع). در آمیختن اسلحه با تجارت و اقتصاد، اقتصاد را بصورت مافیائی در می آورد. و یا بگفته محسن سازگار: "ورود با اسلحه به تجارت دو خطر عمده و فوری ایجاد می کند. یکی آنکه رقبای تجاری با زور و دستگیری و زندان از میدان کنار گذاشته می شوند و بسیاری از فعالیتها انحصاری می گردد. دوم آنکه سازمان مسلح تجاری برای کسب درآمد آسان با تکیه بر زور و سلاح وارد حوزه های ممنوعه ای چون قاچاق کالا و موادمخدر و الکل و فحشاء می شود. چرا که کسی نمی تواند و جرأت نمی کند سئوالی بکند." (سپاه و سه انحراف). آلودگی به فساد در بدنه و فرماندهی سپاه، بدین معنی نیست که تمام سپاه آلوده است. طبعاً بخشی از فرماندهان و بدنه سپاه با دسترنج و حقوق خودشان زندگی میکنند و از فساد موجود در سپاه رنج می برند .

### گرایشها و نفوذها

سپاه نیروی یکدست و یکپارچه نیست و متأثر از گرایشهای سیاسی موجود در حکومت است و جریانهای سیاسی هم بدرجات مختلف در سپاه نفوذ داشته و دارند. چنانچه گفته شد تصفیه ها موجب شد که چپ اسلامی و طرفداران منتظری در دهه از سپاه حذف شوند. ولی جمعیت مولف، روحانیت سنتی، هاشمی رفسنجانی و اصلاح طلبان در سپاه صاحب نفوذ هستند. در طی سالهای اخیر موقعیت حاملین این گرایشها در سپاه تضعیف شده و بخشی از آنها مشمول تصفیه گردیده اند. در فرماندهی سپاه، گرایش راست افراطی غالب بوده و ابتکار عمل دست آنها است . رویکرد سپاه به امر سیاست و اقتصاد، گرایشهای دیگری را در درون آن شکل داده است : - گرایشی که از رویکرد سپاه به سیاست و اقتصاد و از فساد موجود در سپاه بیمناک بوده و نگران شکل گیری ذهنیت منفی نسبت به سپاه در بین مردم است. حاملین این گرایش بر کارکرد نظامی سپاه تاکید دارند و معتقدند که سپاه نباید به قدرت آلوده شود و در جایگاه روحانیت قرار گیرد و سرنوشت سپاه را با سرنوشت روحانیت گره بزند . - گرایشی که در راس سپاه قرار گرفته و برنامه سپاه را در طی دو دهه پیش برده، به سپاه بعنوان نهاد عمومی نگاه میکند و بر حضور چند وجهی سپاه در حوزه های نظامی، امنیتی، اقتصادی،

فرهنگی، قانونگذاری، اداره کشور و سیاستگذاریهایی کلان اعتقاد دارد .  
- گرایشی که معتقد به اعتدال در رابطه با حضور در قدرت و اقتصاد و دیگر حوزه ها است .

### شبکه حول سپاه

شبکه ای بیرون از سپاه وجود دارد که پشتیبان آن است. این شبکه دربرگیرنده کسانی است که :  
- سابقه فعالیت در سپاه دارند؛  
- یاران قدیمی اشان در سپاه خدمت میکنند و با آنها در ارتباط هستند؛  
- در فعالیتهای مختلف سپاه ذینفع هستند؛  
- به سپاه بعنوان ارگان مدافع انقلاب و اسلام نگاه میکنند و معتقد به تقویت آن هستند .  
این شبکه در درون هیئت ها، دخمه ها، تکیه ها و مساجد و در بنگاههای اقتصادی حضور دارند و باشکال مختلف به یاری سپاه و فرماندهان آن می شتابند. این شبکه دارای توان بسیجی بالا است. برخی از آنها که ثروتهای کلانی اندوخته اند، یاران خود را در سپاه تغذیه میکنند .

### ذهنیت مردم نسبت به سپاه

ذهنیت مردم نسبت به سپاه در دوره بعد از جنگ تغییر کرده است. سرکوب سپاه، زراندوزی فرماندهان، فساد در راس و بدنه سپاه، تهدید به بریدن زبانها، دخالت در انتخابات .... موجب تغییر ذهنیت مردم نسبت به سپاه شده است. سپاه نه تنها از محبوبیت در بین مردم برخوردار نیست، بلکه ذهنیت منفی نسبت به آن وجود دارد. اکثر نخبگان جامعه نسبت به نقش سپاه در سرکوب روزنامه نگاران، فعالین سیاسی، دانشجویان، کارگران، زنان و پرونده سازی برای آنها آگاهی

سپاه با گسترش فعالیتهای خود در عرصه های مختلف اجتماعی با گروههای بیشتری از جامعه تماس پیدا میکند و در این تماس، ذهنیت منفی تری نسبت بخود شکل میدهد. فعالیتهای سیاسی سپاه به تقابل بخشی از جناحهای حکومت با آن منجر شده و فعالیتهای اقتصادی ناراضایتی بخشی از صاحبان سرمایه را هم فراهم آورده است